



دانشگاه پیام نور

هنر و تمدن اسلامی ۲

(رشته صنایع دستی)

دکتر غلامعلی حاتم

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار ناشر

کتاب‌های دانشگاه پیام نور حسب مورد و با توجه به شرایط مختلف یک درس در یک یا چند رشته دانشگاهی، به صورت کتاب درسی، متن آزمایشگاهی، فرادرسی، و کمک‌درسی چاپ می‌شوند.

کتاب درسی ثمرهٔ کوشش‌های علمی صاحب اثر است که براساس نیازهای درسی دانشجویان و سرفصل‌های مصوب تهیه و پس از داوری علمی، طراحی آموزشی، و ویرایش علمی در گروه‌های علمی و آموزشی، به چاپ می‌رسد. پس از چاپ ویرایش اول اثر، با نظرخواهی‌ها و داوری علمی مجدد و با دریافت نظرهای اصلاحی و متناسب با پیشرفت علوم و فناوری، صاحب اثر در کتاب تجدیدنظر می‌کند و ویرایش جدید کتاب با اعمال ویرایش زبانی و صوری جدید چاپ می‌شود.

متن آزمایشگاهی (م) راهنمایی است که دانشجویان با استفاده از آن و کمک استاد، کارهای عملی و آزمایشگاهی را انجام می‌دهند.

کتاب‌های فرادرسی (ف) و **کمک‌درسی** (ک) به منظور غنی‌تر کردن منابع درسی دانشگاهی تهیه و بر روی لوح فشرده تکثیر می‌شوند و یا در وبگاه دانشگاه قرار می‌گیرند.

مدیریت تولید مواد و تجهیزات آموزشی

فهرست

هشت

پیشگفتار

۱	فصل اول: کتاب‌سازی در جهان اسلام
۲	کاغذ
۶	خط و خوشنویسی
۲۳	کتاب‌سازی
۲۴	تذهیب
۲۶	تشعیر
۲۷	صحافی و تجلید در اسلام
۳۰	کتاب‌سازی و تذهیب در ایران
۳۲	صحافی و تجلید در ایران
۳۹	فصل دوم: نقاشی در اسلام
۴۱	نقاشی دیواری در اسلام
۴۳	نقاشی و مینیاتور در ایران
۴۵	مکتب نقاشی مغولی
۴۷	مکتب نقاشی تیموری
۴۸	مکتب نقاشی هرات
۵۳	مکتب نقاشی بخارا
۵۴	مکتب نقاشی صفوی
۶۴	نقاشی در دوره قاجاریه
۷۶	نقاشی و کتاب‌سازی در دیگر کشورهای اسلامی
۷۶	نقاشی اسلامی در هند

۸۱	کتاب‌سازی و تجلید در هند
۸۲	کتاب‌سازی و تجلید در مصر
۸۳	خط و نقاشی در ترکیه
۸۵	تذهیب و تجلید در ترکیه
۸۹	فصل سوم: سفالگری در اسلام
۹۱	ویژگی‌های سفال‌های اسلامی
۹۱	۱. ظروف بی‌لعب
۹۲	۲. ظروف با لعب
۹۲	۳. ظروف طلایی
۹۳	۴. ظروف با لعب پاشیده
۹۳	۵. ظروف سفالین لعابدار با نقش کنده
۹۴	۶. ظروف با نقاشی زیرلعب
۹۴	سفال‌سازی در کشورهای اسلامی
۹۴	سفال‌سازی در مصر
۹۶	سفال‌سازی در سوریه
۹۷	سفال‌سازی در ترکیه
۹۹	سفال‌سازی در اندلس
۱۰۰	سفال‌سازی در ایران
۱۰۲	ظروف سفالین نیشابور
۱۰۹	ظروف سفالین آمل
۱۱۱	سفال‌سازی دوره سلجوقیان
۱۱۳	سفال‌سازی دوره ایلخانیان
۱۲۴	سفال‌سازی دوره تیموری
۱۲۶	سفال‌سازی دوره صفویه
۱۲۷	سفال‌سازی دوره زندیه و قاجاریه
۱۳۱	فصل چهارم: شیشه‌گری در اسلام
۱۳۲	شیشه‌گری در مصر و سوریه
۱۳۶	شیشه‌گری اسلامی در ایران

۱۴۳	فصل پنجم: فلزکاری در اسلام
۱۴۳	فلزکاری در مصر
۱۴۵	فلزکاری در موصل
۱۴۷	فلزکاری در هند
۱۴۷	فلزکاری در عثمانی
۱۴۹	فلزکاری در ایران
۱۵۰	فلزکاری دوره سلجوقی
۱۵۳	فلزکاری عصر مغول و تیموری
۱۵۶	فلزکاری دوره صفوی
۱۶۳	فلزکاری دوره قاجاریه
۱۶۵	فصل ششم: بافندگی در اسلام
۱۶۶	۱. منسوجات اسلامی در مصر
۱۶۸	منسوجات اسلامی در اسپانیا
۱۶۸	منسوجات اسلامی در هند
۱۷۰	منسوجات اسلامی در ترکیه
۱۷۱	منسوجات ایران در صدر اسلام
۱۷۳	بافندگی دوره سلجوقیان
۱۷۵	بافندگی دوره ایلخانیان
۱۷۶	بافندگی دوره تیموری
۱۷۶	بافندگی دوره صفوی
۱۸۰	بافندگی دوره قاجاریه
۱۸۱	قالی بافی در مصر
۱۸۱	قالی بافی در هندوستان
۱۸۲	قالی بافی در ترکیه
۱۸۶	قالی بافی در ایران
۱۸۷	قالی بافی در دوره ایلخانیان و تیموریان
۱۹۰	قالی بافی دوره صفویه

پیشگفتار

با یاری خداوند متعال کتاب «هنر و تمدن اسلامی (۲)» هم تهیه و به دوستداران هنر تقدیم می‌کنم. در فصل اول و دوم این کتاب، ابتدا کتاب‌سازی در جهان اسلام که شامل: کاغذ، خط و خوشنویسی، تذهیب و تشعیر، صحافی و تجلید و سپس نقاشی و مینیاتور و مکاتب آن، در ایران و در دیگر کشورهای اسلامی مصر، هند، ترکیه، ... مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در فصل سوم سفالگری در اسلام و ویژگی‌های تکنیک آن در ایران و کشورهای اسلامی مورد بحث واقع شده است. شیشه‌گری و فلزکاری از فصل‌های دیگر کتاب است که چگونگی فن و تکنیک آن‌ها مطرح می‌شود. در فصل ششم ابتدا به منسوجات و بافندگی در کشورهای اسلامی و سپس به هنر و یا صنعت قالی‌بافی اشاره می‌شود. باید متذکر شوم در این بررسی‌ها، بیش‌ترین مطالب و تصاویر مربوط به هنرهای اسلامی ایران می‌باشد. زیرا در سرفصل مصوب دروس روی موضوع ایران تأکید شده است. لازم می‌دانم که از جناب آقای دکتر الیاس صفاران که زحمت ویرایش علمی و فرهنگی کتاب را پذیرفتند تقدیر و تشکر نمایم.

دکتر غلامعلی حاتم

استاد دانشگاه هنر

فصل اول

کتاب سازی در جهان اسلام

بشر همگام با اختراع و توسعه و تکمیل خط، در صدد برآمد تا وسیله ثبت و نگهداری آن را هم تهیه نماید. از این رو هر قومی که مخترع خط بود، از ابزاری که آسان تر و فراوان تر در دسترس شان قرار گرفته بود، وسیله ای ساخت و توسط آن اسناد و نوشته های خود را بر آن ثبت نمود.

پیش از اختراع کاغذ ساکنان چین بر روی استخوان و لاک سنگ پشت و مصری ها، از نی های روئیده شده در دلتای نیل به نام «بُردی» کاغذ پاپیروس می ساختند و بر روی آن می نوشتند.

ابوریحان بیرونی (متوفی سال ۴۴۰ هجری قمری) درباره ماده ای که هندی ها روی آن مطالب خود را ثبت می نموده اند، نوشته است: در شهرهای جنوبی هندوستان درخت بلندی است مثل خرما و نارگیل که مردم میوه آن را می خورند و بر روی برگ های آن که به طول یک ذرع و عرض سه انگشت است مطالب خود را می نویسند. نام این درخت در هند «تاری» است. اما در شهرهای مرکزی و شمال هندوستان مردم از پوست درخت «توز» برای کتابت استفاده می کنند. مسعودی (متوفی ۳۴۵ هجری قمری) در مروج الذهب از یک ماده دیگری که در هند بر آن می نوشته اند و نام آن را «کاژی»^۱ می گوید ذکر می کند.

ابن الندیم از علمای سده چهارم هجری در کتاب الفهرست خود می نویسد، ... بعد از اندک زمانی مردم مطالب خود را برای آن که بماند بر روی سنگ و مس نوشتند

۱. کاغذ مأخوذ از (کاژی) است که واژه سانسکریت است و به جنسی گفته می شود که از خمیر کتان و یا پنبه و یا کف ساخته می شود.

و بعد به چوب و پوست درختان توسل یافتند. بعضی نیز برای آن که نوشته‌هایشان جاوید بماند آن‌ها را روی پوست توز (پوست درخت خدنگ را توز گویند) که بر کمان می‌کشند می‌نگاشتند، پس پوست را دباغی کردند و بر روی آن نوشتند. مردم مصر قرطاس^۱ مصری را در این مورد به‌کار می‌برند و آن را از نی گیاهی بُردی «پاپيروس» می‌ساختند.

مردم هند روی حریر سفید، پوست سفید، طومارهای مصری، یا بر روی پوست خر وحشی و ایرانی‌ها بر روی پوست گاومیش، گاو، گوسفند و پوست آهو، و اعراب بر روی استخوان شتر یا سنگ‌های نازک سفید یا شاخه‌های پوست‌کنده درخت خرما کتابت می‌کردند. چینی‌ها بر روی کاغذ چینی که از نباتات خشک تهیه می‌کردند، می‌نوشتند و بیشتر عواید مملکت ایشان از این نتایج حاصل می‌شد. کتابت مردم هند بر روی مس و سنگ یا بر حریر سفید بود.

در بسیاری از مأخذ قدیمی پاپيروس مصر را «قرطاس» خوانده‌اند. برای ساختن آن، مغز گیاه بُردی را قطعه قطعه می‌کردند و بعد با فشار صفحاتی از آن درست می‌نمودند و سپس با وسیله‌ای از عاج آن‌ها را صیقل می‌دادند، و سرانجام صفحات را به هم می‌چسبانند و از آن طومارها تهیه می‌شد، بعضی از این طومارها سی ذرع طول و بیش از یک وجب عرض دارند.

کاغذ

در حدود سال ۱۰۵ میلادی تسائی لون (Tsai - Lun) چینی تکه‌های کهنه و بی‌مصرف ابریشم را در آب خیس کرد و نوعی خمیر به‌دست آورد که از این خمیر نخستین کاغذ اختراع شد و بعدها به جای پارچه ابریشم از خیزران یا چوب درخت توت این کار انجام شد. اسرار ساختن کاغذ تا سال ۷۵۱ میلادی (۴-۱۳۳ هـ. ق) که تعدادی از چینی‌ها اسیر مسلمان‌ها شدند، برای چینی‌ها باقی‌ماند. از این سال بین عده‌ای از اسیران چینی که به سمرقند برده شده بودند اشخاصی بودند که به فن کاغذسازی آگاه بودند. با راهنمایی‌های

۱. قرطاس در اصطلاح علمی عبارت است از تراکم و درهم برهم الیاف سلولوزی که به‌طور نامنظم، داخل همدیگر شده و در نتیجه تشکیل یک ماده فشرده می‌دهد و به شکل برگ‌های نازک با ضخامت‌های متغیر در ابعاد و اوزان مختلف است.

آنان بود که نخستین کارگاه کاغذسازی در سمرقند، و سپس در خراسان و بعداً در سال ۱۷۷-۸ هجری قمری کارگاه دیگری در بغداد دایر شد.

ابن خلدون نوشته‌است که فضل ابن یحیی برمکی از بزرگان وزرای عباسی، نخستین کسی بود که در بغداد دستور ساختن کاغذ را داد یعنی در اواخر سده دوم هجری صنعت کاغذسازی به بغداد راه یافت و طوری در آن شهر پیشرفت کرد که جعفر بن یحیی برمکی دستور داد برای دیوان‌ها به جای کاغذ پوستی کاغذ ساخت بغداد مصرف نمایند. این صنعت از بغداد به شام رفت و در طرابلس و شام پیشرفت شایانی کرد. ناصر خسرو در سال ۴۳۸ هجری قمری که شهر شام را دیده از کاغذ زیبا و خوبی که در آنجا ساخته می‌شد و بهتر از کاغذ سمرقند بوده است سخن گفته است.

هنر کاغذسازی در حدود سال ۲۹۰ هجری به مصر، و در حدود سال ۵۰۰ هجری به مغرب و سرانجام در اواخر قرن هفتم هجری به وسیله مسلمانان به جزیره سیسیل، اندلس و به ایتالیا راه یافت و از آنجا به سراسر اروپا اشاعه پیدا کرد. در واقع، در طی سده پنجم هجری، کاربرد کاغذ تقریباً در سراسر قلمرو اسلام عمومیت یافته بود.

در ایران به جز خراسان معلوم نیست که در چه شهر دیگری و چه سده‌ای دستگاه کاغذسازی دایر بوده است. یاقوت حموی که در اوایل سده هفتم هجری می‌زیسته در معجم‌البلدان از شهر خونج یا خونا نام برده که در زمان او به «کاغذ کنان» یعنی «کاغذسازان» معروف بوده است و فاصله این شهر را از زنجان به دو روز نوشته است. در عصر تیموریان، در ایران کاغذهای رنگین اعلا تولید می‌شد. در طی قرن سوم قرآن بر پوست‌هایی با انواع ته‌رنگ‌ها، نگاشته می‌شدند، بعدها کاغذهای رنگینی به متون غیر مذهبی و کاغذ آبی و سرخ و ابری به کتب تزئینی اختصاص یافتند. دیوان‌های شعرا، به خصوص در شیراز در طی قرن‌های نهم و دهم هجری، غالباً بر کاغذهایی به الوان مختلف یا بر کاغذ ابرو باد زرافشان نوشته شدند.

کاغذ ایرانی به چنان کیفیتی رسیده بود که خوش‌نویسان و نگارگران مشکل می‌توانستند بهتر از آن را طلب کنند. در اوایل دوره مغولی، هند کاغذ مصرفی خود را از ایران وارد می‌کرد، ولی بعدها انواع کاغذهای دیگر از الیاف خیزران، کتان، کف و پنبه در محل تهیه شدند. هندوان به موجب معتقدات خود از پوست استفاده نمی‌کردند. به مرور که تولید کتب شدت گرفت، بر تعداد کارگاه‌های کاغذسازی افزوده گردید. در عصر اکبرشاه

(۱۰۱۴ - ۹۶۴ هجری قمری)، کاغذی که در هند تهیه می‌شد نظیر کاغذی بود که در ایران به‌دست می‌آمد. این کاغذ عموماً به رنگ زرد روشن بود، و در اثر مالش سنگ عقیق بسیار براق می‌شد. در دوره مغولی، کاغذ ساخت کشمیر بسیار مشهور بود و به فراوانی در تحریر کتب مورد استفاده قرار می‌گرفت.

موادی که برای لعاب‌دادن کاغذ به‌کار می‌رفتند در مناطق مختلف متفاوت بودند. در ایران، از آلبومین به صورت سفیده تخم‌مرغ یا محلول نشاسته استفاده می‌شد. پس از آماده شدن کاغذ، به طرق گوناگون روی آن مهره می‌کشیدند. در ایران به کمک گوی‌های بلورین، در هند مغولی به وسیله سنگ عقیق و در کشمیر به مدد نوعی صدف نرم.

همه این روش‌های فنی، سطحی بسیار براق به دست می‌دادند، که پاسخ‌گوی نیازهای خطاط و نقاش بود. از ویژگی‌های لعاب‌دادن و مهره‌کشی بر روی کاغذ، مقاوم نمودن کاغذ، جلا بخشیدن به کاغذ، روان و نرم نمودن کاغذ و از بین بردن پرز کاغذ، را می‌توان نام برد.

علاوه بر کاغذ قرمز، آبی یا ابری و کاغذ زرد روشنی که تبریز را مشهور ساخته بود، ایرانیان غالباً از کاغذ ابری زرافشان استفاده می‌کردند. برای تهیه کاغذ زرافشان، هنگامی که کاغذ هنوز از لعاب مرطوب بود، گرد طلا بر آن پاشیده می‌شد، به‌طوری که در اثنای مهره‌کشیدن نهایی به آسانی در آن می‌نشست. پاشیدن طلا معمولاً با خردکردن ورق این فلز و الک‌کردن گرد حاصل بر بالای برگ کاغذ و یا با آغشتن قلم‌مویی به رنگ طلایی و تکان دادن شدید در مجاورت آن صورت می‌گرفت. کاغذ ابری رایج در قرن نهم هجری را، هم به‌صورت تمام ورق و هم در حاشیه اوراق کتب مُذهَّب ایرانی مشاهده می‌کنیم. این هنر در ترکیه شکوفا شد و این نوع کاغذ از محبوبیت خاصی به‌ویژه در تزئین درون جلد کتاب‌ها برخوردار گردید. انواع مختلف آن پدید آمده و در آن‌ها طلا به اندازه دیگر رنگ‌ها نقش پیدا کرد.

میزان درخشش طلا در کاغذ به شدت مهره‌کشی آن بستگی داشت. این ماده به دو صورت یعنی ورق و رنگ، در دسترس بود. در مورد اول فلز را درون یک پارچه‌جیر خرد می‌کردند تا به صورت اکلیلی که امروزه هم در بعضی عنوان‌های کتب به‌کار می‌رود درآید. در مورد دوم، فلز را در هاون می‌کوبیدند و بدان آب اضافه می‌کردند. پس از ته‌نشستن ذرات فلز، آب را به دور می‌ریختند. سپس، در آخرین مرحله، فلز خرد شده را به محلولی

از چسب خشک و زعفران می‌آمیختند. اگر سطحی براق می‌خواستند، طلا را به وسیلهٔ یشم، یا عقیق، صیقل می‌دادند.

ابن‌الندیم در سدهٔ چهارم هجری در کتاب الفهرست از شش نوع کاغذ که در زمان او معروف بوده سخن می‌گوید. از شش نوع کاغذ نام برده چهار نوع آن در خراسان تهیه می‌شده است. شش نوع کاغذ عبارت‌اند از سلیمانی، طلحی، نوحی، فرعونی، جعفری، طاهری، کاغذ سلیمانی همان کاغذ ممتازی بوده که در خراسان می‌ساخته‌اند و به نام سلیمان ابن راشد که در زمان خلافت هارون‌الرشید والی خراسان بود، منسوب است.

کاغذ طلحی بنام طلحه‌ابن طاهر دومین امیر از امرای طاهری که در سده سوم هجری به خراسان حکومت داشته، کاغذ نوحی به نوح پادشاه سامانی، کاغذ جعفری به جعفر برمکی و کاغذ طاهری به طاهر دوم از امرای طاهری خراسان سده سوم هجری منسوب بوده است.

کثرت تألیفات و نشر کتب و توجه به ظرافت و شیوایی نسخه‌های خطی در ایران موجب گردید که به صنعت کاغذ سازی اعتنایی مخصوص بشود و با اینکه در بسیاری از شهرهای ایران کاغذهای مختلف و فراوان ساخته می‌شد محصول کاغذ کفاف کتابت کتاب‌هایی که نوشته می‌شد نمی‌داد، بنابراین از سایر شهرهای ترکستان و هندوستان و آسیای صغیر به مقدار زیاد کاغذ به ایران وارد می‌شد. غالب نسخه‌های خطی ایرانی که امروزه در دست است متعلق به زمانی است که از سده ششم هجری شروع گردیده، لذا برای آشنایی به کاغذهای مختلف که از آن زمان متداول شده است به نمونه‌های مهم آن اشاره می‌شود. کاغذ آهاری - کاغذ ابری - کاغذ ابریشمی - کاغذ حنایی - کاغذ خراسانی - کاغذ دولت آبادی - کاغذ خانبالغ - کاغذ بخارایی - کاغذ ترکی - کاغذ مصری - کاغذ کشمیری - کاغذ ترمه - کاغذ سمرقندی - کاغذ عادلشاهی - کاغذ هندی - کاغذ بغدادی - کاغذ اصفهانی - کاغذ پوست دل آهو.

در طول قرون وسطی بیشتر نوشته‌های اروپاییان روی کاغذ پوستی بوده است و چون این وسیله گران و گاهی کمیاب بوده، نمی‌توانستند نسخه‌های زیادی از روی کتاب‌ها تهیه نمایند و اغلب کشیشان و روحانیون عیسوی برای نوشته‌ها از کاغذ کتاب‌های قدیمی استفاده می‌کردند. و حروف و واژه‌های آن را پاک و دوباره برای نوشتن مطلب تازه‌ای از آن استفاده می‌کردند. در نتیجه همین عمل بسیاری از کتاب‌های

قدیمی از بین رفت و اگر صنعت کاغذسازی توسط مسلمان‌ها به اروپا برده نشده بود، همین قدر کتاب‌های باستانی که اینک در اروپا موجود است، دچار همان سرنوشت گردیده بود.

خط و خوشنویسی

بی‌تردید اختراع خط کلید گشایش بسیاری از اختراعات و اکتشافات بود و بسیاری از مجهولات و نادانسته‌های بشری را روشن نموده‌است. آثار به‌جای مانده، چه آن‌هایی که در غارها به تصویر درآمده، و چه آن‌هایی که در ظروف منقوش شده، و چه آن‌هایی که به صورت الواح و کتیبه بر گل و آجر و سنگ ضبط شده، همه به منزله چراغ‌هایی است که تا حدی راه تاریک و پر پیچ و تاب تمدن بشری را روشن کرده و فرا راه آیندگان قرار داده است.

خط را، مادر فرهنگ و تمدن بشر و هنر ثبت ذهنیات و دانسته‌های انسان می‌دانند، زیرا که هزاران سال است که خط به‌گونه‌ای با فرهنگ بشر درآمیخته که اندیشه جداییشان حتی ناممکن می‌نماید.

خط عبارت است از مجموعه علائم قراردادی که برای انتقال مقاصد، افکار و ارتباط میان انسان‌ها به‌وجود آمده. خط در تعریف همان زبان است با این تفاوت که در زبان این علائم به صورت صوتی و در خط به صورت نقوش جلوه می‌کند. خط و نوشتن در آغاز برای مبادله اندیشه‌ها پدید آمد، سپس تنها وسیله جاودان ساختن اندیشه و دانش بشری گردید و این خود ارزش و ارج والای خط را به عنوان حافظ بزرگ میراث‌های فرهنگی بشر آشکار می‌سازد.

فرهنگ کنونی بشر، دارای ریشه‌های چندین هزارساله است. تلاش و کوشش هزاران انسان اندیشمند، دست به دست هم داده تا دانش بشر امروز را بدین پایه رسانیده است. انتقال این میراث گرانبها، که هر روز بارورتر می‌شود، تنها از راه نوشتن و ضبط آن امکان‌پذیر است.

پیدایش خط را نه تنها یکی از رویدادهای بزرگ تمدن بشر، بلکه یکی از پایه‌های اساسی آن می‌توان دانست. با اختراع خط، انسان ماقبل تاریخ، وارد دوران تاریخی می‌شود که خط تصویری یا شکل‌نگاری و سپس خط نموداری یا اندیشه و

مفهوم‌نگاری به وجود می‌آید. و بعدها خط هجایی یا صوتی و خط الفبایی آخرین مرحله تکامل خط را نشان می‌دهد.

خوشنویسی و توجه به خط یک امر طبیعی است. زیرا خداوند تعلیم خط را به خود نسبت داده. اولین کلامی که از طرف خداوند توسط جبرئیل به پیامبر اکرم (ص) نازل شد، در باب اهمیت و اعتبار خط بود: «اقْرَأْ بِسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ. اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (بخوان، به نام پروردگارت که آفرید، آدمی را از لخته خونی پدید آورد. بخوان که پروردگارت از همه چیز گرامی‌تر است، خدایی که نوشتن با قلم را یاد داد، خدایی که به آدمی آنچه را که نمی‌دانست آموخت). از این‌رو خط از یک ارزش والای هنری برخوردار است و به همین لحاظ سرچشمه و مبنای آثار هنری قرار گرفته و بی‌اغراق نخواهد بود که این هنر را «هنر مقدس» بنامیم.

خط و خوشنویسی از آغاز اسلام، میان مسلمان‌ها مورد توجه بوده و از مقام و احترام خاصی برخوردار بود. و به خاطر آنکه اغلب مضامین کلام خداست جنبه تقدس آن بسیار است. اولین خطی که قرآن مجید با آن نوشته شده، خط کوفی بود. این خط در حدود یک قرن قبل از هجرت پیامبر اکرم (ص) از دو الفبای نبطی^۱ و سریانی^۲، استخراج و در میان اعراب مورد استفاده قرار گرفت. خط کوفی به دو شاخه اصلی غربی و شرقی تقسیم می‌شود: خط کوفی مغربی شامل شیوه‌های قیروانی (اندلسی، قُرطبی، فاسی)، تونس، جزائری و سودانی است این خطوط مشتق از خط کوفی قدیم است.

خط کوفی شرقی به سه شیوه متفاوت زیر تقسیم می‌شود:

۱. شیوه اصیل عربی که مشتمل است بر، مکی، مدنی، کوفی، بصری، شامی، مصری و توابع آنها.
۲. شیوه ایرانی
۳. شیوه مختلط

۱. خط نبطی منسوب است به نبطیان که یک قوم عرب بودند در شمال جزیره العرب (حکومت نبطیان از سال ۱۵۰ ق.م تا هنگام اضمحلالش به دست رومیان در سال ۱۰۵ میلادی ادامه یافت). و در شرق و جنوب صحرای سینا زندگی می‌کردند.

۲. خط سریانی از خط آرامی مشتق شده است.

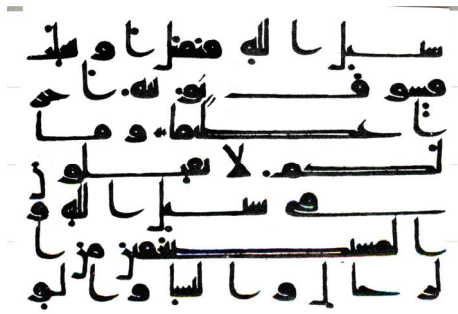
تمام این شیوه‌ها از نظر دقت و بررسی در خطوط کتاب‌ها و کتیبه‌های مساجد و ابنیه اعم از کاشی‌کاری و ظروف سفالین و فلزی و سنگ نوشته‌ها به سه نوع عمده متمایز، تقسیم می‌شود. ۱. انواع خط کوفی ساده محرر، ۲. انواع خط کوفی تزئینی، ۳. انواع خط بنایی (مُعَقَلی) (تصاویر ۱. ۱ الی ۱. ۳).

خط عربی که دارای دو شیوه عمده کوفی و نسخ بود از قرن هفتم میلادی یعنی از مبدأ تاریخ اسلامی در میان مسلمانان شایع بوده‌است. خوشنویسان و خطاطان در ممالک اسلامی عموماً و در ایران خصوصاً اوقات خود را صرف استنساخ قرآن‌نویسی و کتب ادبی و شعر می‌نمودند. خوشنویسان برای افتخار و مباهات نام خود را زیر خطی که می‌نوشتند قید می‌کردند، و به همین جهت نام تمام خطاطان و شرح احوال آن‌ها در کتاب‌ها نوشته شده‌است. در باب اهمیت خط در اسلام و این که خط یکی از عناصر مهم وحدت در دنیای اسلام است. باید گفت: خط از عناصریست که در اغلب آثار هنری، از معماری تا دیگر هنرهای کوچک دستی به نحو مداومی انعکاس یافته. و از اصیل‌ترین و بنیادی‌ترین عنصر هنر در تمام کاشیکاری‌ها، بناها، مساجد، معابر، فلزکاری‌ها، کتیبه‌ها و غیره به‌شمار می‌رود، و این عنصر با تمام مظاهر زندگی بشر به‌ویژه انسان شرقی درهم آمیخته است.

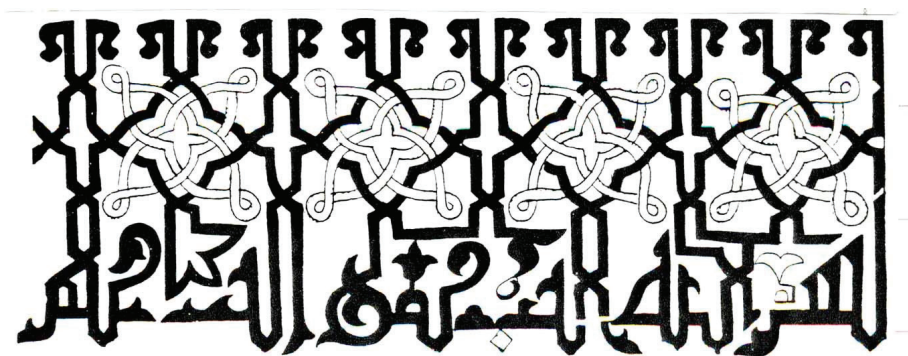
معنویت و حد اعلای این هنر را، که با عناصر مذهبی تلفیق می‌شود در بناهای مذهبی کشور خودمان به وفور یافت می‌شود. کامل‌ترین و عالی‌ترین نمونه‌های این هنر در این بناها متجلی شده‌اند. این آثار در حقیقت الگوی منحصر به فردی از تعالی هنر خط هستند، شیوه‌های خطاطی، انعکاس خط، کادربندی هماهنگ، ترکیبات هندسی و آزاد، فرم‌های مدور طراحی شده، همه و همه از لحاظ زیبایی‌شناسی دارای ارزش‌های فراوانی هستند که در تمام این آثار به نحو بارزی به چشم می‌خورد و در جنب این همه زیبایی پیام‌های مذهبی، تاریخی، اجتماعی که منبعث از مذهب، هویت، سنت و ملیت ماست به زیباترین شکل به بیننده القا می‌گردد.

بنابراین می‌بینیم که خط از دیرباز در ایران به صورت یکی از عوامل هنرهای تزئینی مورد توجه قرار گرفته است، تا جایی که هیچ‌یک از ساخته‌های دستی هنرمندان از آرایش‌های خطی بی‌بهره نمانده است. توجه بسیاری که به خط خوش به عنوان یک هنر والا می‌شد، سبب گردید که به زودی این هنر مراحل ترقی را به‌پیماید و به درجه‌ای از

کمال برسد، که با هنر نگارگری برابری کند. به عبارت دیگر می‌توان گفت از همان ابتدای پیدایش الفبا در زبان‌های کهن، میل و تمایل انسان را، واداشت که خوشنویسی کند.



تصویر ۱.۱. خط کوفی ساده از قرآن‌های قرن اول هجری



تصویر ۲.۱. کوفی مؤشخ - از ایوانی در قصر الحمراء اندلس - خط توأم با اشکال هندسی و گلبرگ و گره



تصویر ۳.۱. نمونه کامل خط طغراء - خطاط مشهور ترکیه حامد آمدی

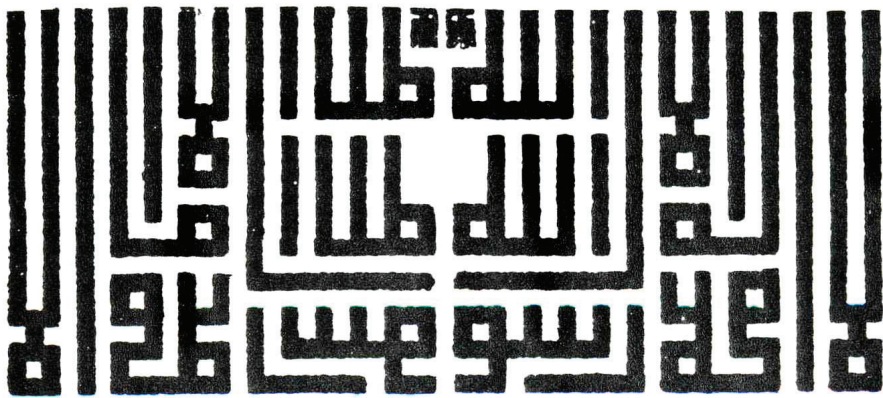
برای آگاهی از سیر تحول و دگرگونی‌هایی که خط در ایران پشت سر نهاده است، باید به دوران اوایل اسلام بازگردیم. ایرانی‌های مسلمان خط را از اعراب اقتباس کردند. در آغاز خط کوفی به سبب نیاز، به‌ویژه نیاز مذهبی مورد استفاده قرار گرفت و به همان شیوهٔ ابتدایی نوشته می‌شد. اما به زودی ایرانیان کوشیدند که از این خط، خطی زیبا و با قاعده که برابر با ذوق ایرانی باشد پدید آورند. این آغاز کار خوشنویسی در ایران بود، در این مرحله خط کوفی به دست هنرمندان ایرانی به صورت خطی زیبا، با ارزش تزئینی بسیار درآمد، به طوری که بعد از پنج قرن در عهد سلاجقه خط کوفی نوع ایرانی، حداکثر ترقی را نمود، و تذهیبات آن نیز غنی گردید، این خط در صنایع ایران تأثیر زیاد نمود، و مقام مهمی را احراز کرد. خط کوفی نه تنها در معماری بلکه در تمام اشیایی که در زندگی مورد استفاده داشته و به کار برده شده است. زیرا هیچ خطی به اندازه خط کوفی برای تزئین و آرایش مناسب نمی‌باشد.

تمام حروف کوفی دارای قاعده افقی، عمودی و زاویه‌دار هستند و وقتی پهلوی هم قرار داده شوند تشکیل حاشیهٔ مرتبی می‌دهند و از این روی می‌توان این خط را برای هر سطحی که تزئینی لازم داشته باشد به کار برد. این خط در اوایل برای کتابت و کم کم در کتیبه‌ها، سر در مسجدها و بر روی گنبدها به کار گرفته شد و خط دیگری که حروفش قوس‌دار و به خط نسخ معروف بود برای کتابت به کار گرفته شد. چنانچه امروزه نیز اکثراً قرآن مجید را به خط نسخ می‌نگارند.

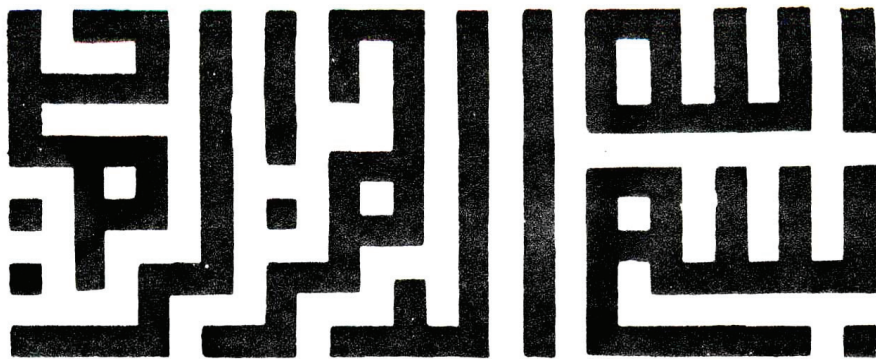
هنرمندان ایرانی در استفاده از خط کوفی متتهای سلیقه و مهارت را ظاهر ساخته‌اند، چنانکه آرایش حروف کوفی رشد خاصی می‌کند، و بیشتر به نقاشی شبیه می‌شود تا خوشنویسی و در بسیاری از موارد خواندن آن بسیار دشوار است. به کار گرفتن اقسام خط کوفی (ساده، گلداز، طوماری، مشبک، حاشیه‌دار، مستطیلی، بنایی) مهارت و هنرمندی صنعتگران ایران را نشان می‌دهند. این تکامل و زیبایی در عهد سلجوقی رونق کاملی داشته است. از آن جایی که فن خطاطی همیشه در کشورهای اسلامی هنر ظریفی به‌شمار می‌رفته، مایه لذت خاطر رجال هنرپرور بوده و یگانه هنری بود که مسلمانان آن را لایق بحث و ذکر می‌شمردند (تصاویر ۱.۴ الی ۱.۸).

همین ارزش و اعتباری که به خط داده می‌شد باعث گردید، که خط کوفی در نواحی مختلف اسلام به شیوه‌های گوناگون نوشته شود، و به صورت رایج‌ترین نقش تزئینی در آثار اسلامی ظاهر گردد. با این همه هنوز برای ایرانیان خواندن و نوشتن خط

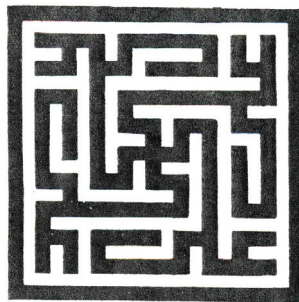
کوفی با مشکلات همراه بود. بدین سبب در آغاز سده چهارم هجری ایرانیان دگرگونی تازه‌ای در خط پدید آوردند. این گام دیگری از سهم بزرگ ایرانیان در ایجاد تمدن و فرهنگ اسلامی در پدید آمدن شیوه‌های تازه نیز پیشگام شدند.



تصویر ۲.۱. خط کوفی بنایی. لاله‌الله محمد رسول‌الله، به‌طور متعکس «راست و چپ» نوشته شده است



تصویر ۵.۱. خط کوفی بنایی ساده، بسم‌الله الرحمن الرحیم



تصویر ۶.۱. خط کوفی بنایی متوسط: کلمه علی به‌حروف عین رکن مربع رو به داخل مربع تکرار شده است.